

نفی «سکولاریزم - فرقه گرایی»



امام موسی صدر جمله‌ای دارد که من آن را بارها در می‌خوانم. مصاحبه‌کننده از او می‌پرسد، «شما در لبنان در حال تأسیس مجلس اعلا شیعیان لبنان هستید، آیا این فرقه‌گرایی نیست؟» یعنی سوال این است که آیا این شقی از آن دوگانه نیست؟ مصاحبه‌کننده به نظر فرد باهوشی است؛ می‌گوید، «ما تصور می‌کنیم که از شما داریم، یک روحانی سکولار است.» سوال این است که این مجلس، مجلسی دینی است، در ساختار این مجلس، بحث‌های دینی، موج می‌زند و اساساً ذاتش دینی است. آیا این فرقه‌گرایی نیست؟

این مصاحبه در تاریخ ۱۹۶۹/۶/۱۵ منتشر شده است. پاسخی که امام موسی صدر می‌دهد، این است: «نه، من به سکولاریزم اعتقادی ندارم؛ من در این چارچوب، اساساً به سکولاریزم اعتقاد ندارم. یعنی در چارچوب الگوی شهروندی، اگر چه برخی تصور می‌کنند که مردود شمردن بحث فرقه‌گرایی به معنای پذیرفتن سکولاریزم است، اما چنین تصویری نادرست است.

چرا که می‌توان فرقه‌گرایی و سکولاریزم را یکجا مردود دانست.» امام در این جا می‌خواهد از این دوگانه فرار کند. حتماً می‌داند که در حوزه اندیشه، ما تا زمانی که نتوانیم پایگاه سوسی درست کنیم، نمی‌توانیم از دوگانه عبور کنیم. مثل این می‌ماند که بخواهیم هر دو پای خود را از زمین بلند کنیم؛ نمی‌توانیم، مگر این که دستمان را به زمین بگذاریم.

یعنی امام باید در جای دیگری ایستاد باشد تا بتواند این دو را کنار بگذارد.

امام در ادامه می‌گوید: «و در کنار آن می‌توان از ره‌رودهای دین و نتایج مثبت آن بهره گرفت، بی آن که به اثر منفی فرقه‌گرایی و فروپاشی جامع مبتلا شد.» یعنی راه‌حل ایشان داخل دین است.

فرقه‌گرایی منفی

امام در جای دیگر، این جمله را می‌گوید: «فرقه‌گرایی منفی این است که فرقه خود را دیوری آهنگین قرار دهیم که ما را از دیگران جدا کند.»

فرقه‌گرایی برای حفظ خودش، اعضای خودش را زندانی می‌کند، یا غیر خودش را می‌کشد. چون با غیر خودش نمی‌تواند کنار بیاید؛ لذا باید دیگران را حذف کند، یا باید دور خود اعضای خودش، حصار بکشد. راه سومی وجود ندارد. یعنی یا باید منزوی باشد، یا باید با دیگران بجنگد. برای همین است که می‌بینید فرقه‌گراها در ابتدا منزوی هستند و بعد با دیگران می‌جنگند. امام موسی صدر به دنبال این است که شیعیان لبنان نه منزوی باشند و نه بچنگند؛ اما در سیستم سیاسی هم حضور داشته باشند. این قسمت از سخنان امام جالب است که در ادامه سخن قبل می‌گوید: «چنین کاری - یعنی انزوا و جنگیدن برای حفظ خود- از دین صحیح مردود است.» یعنی تصریح دارد که با این قسمت مخالف است. جالب است که در ظاهر به نظر می‌رسد ایشان متناقض سخن می‌گوید. از طرفی تکرار را به شدت می‌پذیرد و از طرف دیگر، مذهب را می‌پذیرد. یعنی اتفاقی در ذهن او رخ داده که این اتفاق، شاهکاری است و به نظر می‌آید همان راه‌حلی است که ما به آن محتاجیم.

به این جمله امام توجه کنید که در سال ۱۹۶۲ بیان کرده است: «اگر تعدد فرقه‌ها باعث جدایی یا ضعیفی در جامعه شود، بی‌تعدد خطری برای کشور به‌شمار می‌رود. اما اگر این تعدد در نهایت منجر به تبادل و تجارب تمدن‌ها شود، به منزله نیرویی برای کشور است.»

یکی از جمله‌های امام این است: «دولت باید آسمانی باشد نه دولت دینی.» منظور از آسمانی بودن، مقدس بودن آن نیست؛ منظور از دولت دینی نیز دولت فرقه‌ای است. در جای دیگری می‌گوید، دولت نباید حتی دولت اکثریتی باشد: «دولت اگر نماینده اقلیت باشد، ظلم آشکاری در حق اکثریت است؛ و اگر نماینده اکثریت باشد، سرنوشت اکثریت چه خواهد شد؟»

فرقه‌گرایی منفی

امام در جای دیگر، این جمله را می‌گوید: «فرقه‌گرایی منفی این است که فرقه خود را دیوری آهنگین قرار دهیم که ما را از دیگران جدا کند.»

فرقه‌گرایی برای حفظ خودش، اعضای خودش را زندانی می‌کند، یا غیر خودش را می‌کشد. چون با غیر خودش نمی‌تواند کنار بیاید؛ لذا باید دیگران را حذف کند، یا باید دور خود اعضای خودش، حصار بکشد. راه سومی وجود ندارد. یعنی یا باید منزوی باشد، یا باید با دیگران بجنگد. برای همین است که می‌بینید فرقه‌گراها در ابتدا منزوی هستند و بعد با دیگران می‌جنگند. امام موسی صدر به دنبال این است که شیعیان لبنان نه منزوی باشند و نه بچنگند؛ اما در سیستم سیاسی هم حضور داشته باشند. این قسمت از سخنان امام جالب است که در ادامه سخن قبل می‌گوید: «چنین کاری - یعنی انزوا و جنگیدن برای حفظ خود- از دین صحیح مردود است.» یعنی تصریح دارد که با این قسمت مخالف است. جالب است که در ظاهر به نظر می‌رسد ایشان متناقض سخن می‌گوید. از طرفی تکرار را به شدت می‌پذیرد و از طرف دیگر، مذهب را می‌پذیرد. یعنی اتفاقی در ذهن او رخ داده که این اتفاق، شاهکاری است و به نظر می‌آید همان راه‌حلی است که ما به آن محتاجیم.

به این جمله امام توجه کنید که در سال ۱۹۶۲ بیان کرده است: «اگر تعدد فرقه‌ها باعث جدایی یا ضعیفی در جامعه شود، بی‌تعدد خطری برای کشور به‌شمار می‌رود. اما اگر این تعدد در نهایت منجر به تبادل و تجارب تمدن‌ها شود، به منزله نیرویی برای کشور است.»

سیاست، مشارکت در سازندگی آینده

خبرنگار از امام می‌پرسد آیا شما وارد فعالیت‌های سیاسی هم می‌شوید؟ امام این گونه پاسخ می‌دهد که «دین مطلقاً مانع فعالیت سیاسی سالم نیست. به شرط آن که به لحاظ اصول و راه و هدف با آن هماهنگ باشد.»

این پاسخ امام یعنی سیاست باید فقر را از بین ببرد؛ بهداشت را تضمین کند و توسعه بدهد؛ آموزش را افزایش بدهد و پیش بگیرد. لذا یک مسلمان که کار سیاسی می‌کند، با این موارد باید درگیر شود و وظیفه سیاست همین است.

امام این گونه ادامه می‌دهد که «چرا چنین نباشد؟ ما باید این کارها را بکنیم؛ در حالی که فعالیت سیاسی سالم، مشارکت در سازندگی آینده است.» یعنی ایشان نمی‌افتد در اصطلاح کاتولیکی Charity (خیریه) و صرفاً کارهای خیریه، بلکه می‌گوید امر سیاسی باید درگیر چنین مواردی باشد. ایشان از کاندیداهای حمایت می‌کند تا رأی می‌آورند. جالب این است که بعضی اوقات از کاندیداهای غیرمسلمان، حمایت می‌کند. گاهی آشکارا حامی یک مسیحی می‌شد و او هم رأی می‌آورد. یعنی امام موسی صدر نگاه خاصی به دین و سیاست داشته است: «ایا دین، بیرون خودش را از مشارکت در ساختن آینده باز داشته؟ و کار ساختن آینده را به دیگران سپرده است؟»

تشکل مذهبی و حفظ امنیت ملی

نگاه امام متضمن این است که بودن در سیاست، به معنای بردو باخت نیست، بلکه به معنی تدارک یک اجماع است. به‌طور مثال، در نامه‌ای که ایشان در سال ۱۹۶۹ به مفتی لبنان می‌نویسد، به راه‌های همکاری اشاره می‌کند؛ می‌گوید ما با اهل سنت در سه قسمت می‌توانیم همکاری کنیم؛ با غیر اهل سنت، یعنی مسیحی‌ها، در دو قسمت. یکی از راه‌های همکاری، «اهداف شرعی» است. به‌طور مثال در باب وحدت افق در عید فطر، منظور این بود اگر در یک منطقه، یکی می‌شد، بنابراین در آن منطقه، همه باید در آن عید اعلام کنند. در دو راه بعدی، با غیرمسلمانان هم می‌توان همکاری کرد. یکی بخش «اهداف اجتماعی» است؛ مثل مقابله با بی‌سوادی، مقابله با فقر و آوارگی. اینها وظایف دین است. دیگری نیز «اهداف ملی» است. ایشان معتقد بود که هیچ کس حق ندارد هویت ملی لبنان را اندکی خدشه‌دار کند و اساساً هدف تشکل مذهبی، حفظ امنیت ملی است. خیلی موضوع مهمی است که فردی یا گروهی، یک تشکل مذهبی را درست کند و هدف خود را حفظ امنیت ملی قرار دهند. اینها موارد به ظاهر پارادوکسی هستند که از مجموعه آنها، یک تئوری در می‌آید که می‌توان گفت، سوغات امام موسی صدر است برای جوامع مذهبی.

گفت‌وگو، تنها راه است

امام جمله‌ای در باب فرقه‌گرایی دارد که بسیاری جالب است. می‌داند که در فرقه‌گرایی، گفت‌وگو نیست، یا مابین یا علیه مسا امام می‌گوید گفت‌وگو، تنها راه ما است: «راه همه‌بستگی، ماز دین متفاوت است. ایشان بحث بسیار مهمی دارد. همان‌طور که بسیاری از محققان می‌گویند درخت را باید از میوه‌اش شناخت، امام هم معتقد بود دین درست را باید از میوه‌اش شناخت. وقتی میوه درختی تلخ است، یعنی آن درخت هم تلخ است. یعنی می‌فرماید دین درست باید به مردم خدمات دهد، راه را از چاه نشان دهد. میوه دین درست، سواد و نظم است؛ کم‌شدن فقر، بی‌اخلاقی و بد اخلاقی است. چنین جامعه‌ای، دین درستی دارد؛ چرا که انسان‌های درستی را تربیت می‌کند. حرف امام این است که ما احتیاجی به استدلال نداریم؛ ما باید دین را در خدمت جامعه بگذاریم؛ آن وقت باید ببینیم که چند مرده حلاج است؛ بقیه چیزها را رها کنید. این که شما فلان چیز را می‌فهمید، بهمان چیز را نمی‌فهمید و... با اینها کاری نداریم. بنابراین نظر امام این بود که مهم‌ترین وجه دین، نه وجه کلامی و چیزهای دیگر است؛ بلکه خدمت اجتماعی است که انجام می‌دهد.

در ادامه می‌گوید: «دین درست، بیرون خودش را منزوی نمی‌کند و انسان را به راه کردن فعالیت‌های اجتماعی و خدمات عمومی قنرا نمی‌خواند؛ بلکه عکس این قضیه درست است؛ زیرا تقرب به خدا، در منطق دین، در راه خدمت به خلق است.» لذا اگر دینی، بیرون خود را منزوی کرد، دین درستی نیست؛ همچنین دین را باید در خدمت به خلق جست‌وجو کرد. امام این‌طور ادامه می‌دهد که «هدف ما، بهبود سطح زندگی شیعیان است، تحقق آرزوهایشان، تحقق شکوفایی و غلبه بر عقب‌ماندگی است.» اگر دین ما نتواند شیعه را از این معضلات خلاصی بدهد، دین درستی است.



عکس: دفتر خبری شهرنوا

جامعه متکثر، به مثابه یک گلستان



گفت‌وگو، دینش آسیب نمی‌بیند و لذت‌نازایی نبود که از گفت‌وگو بترسد. سوال مهمی که پیش می‌آید این است که این چه نوع دینی است که نه تنها از گفت‌وگو آسیبی نمی‌بیند، بلکه گفت‌وگو، نیروی محرکه آن است؟ این درک خیلی خاصی از دین است.

ویژگی‌های دموکراسی انجمنی

لازم می‌بینم چند نکته در باب دموکراسی انجمنی بگویم. در واقع تئوری امام، بسیار نزدیک به این تئوری است. برای دموکراسی انجمنی، ۱۰ ویژگی می‌شمارند؛ من به چند مورد از آنها اشاره می‌کنم. یکی از این ویژگی‌ها این است که دولت، روی ائتلاف بزرگ می‌ایستد یعنی دولت، حزبی نیست. دومین مورد، سیستم انتخاباتی سهمیه‌هاست.

به این معنا که اقلیت را طرد یا تحدید نمی‌کنند. به اقلیت هم اجازه حضور می‌دهند. سوم، حکومت‌های محلی و خودمختاری است. امام موسی صدر این را به جد پیش می‌برد. ایشان هیچ مداخله‌ای در جامعه سنتی و مسائل داخلی آنها نداشت. اگر چه به آنها کمک می‌کرد و کمک‌های خیریه‌ای انجام می‌داد اما خودمختاری آنها و سایر اقوام و مذاهب را به رسمیت می‌شناخت. می‌گویند این نوع نظام‌های سیاسی، روی نامی ایستند مگر این که اولاً نخبگان جامعه به یکدیگر اعتماد داشته باشند و یکدیگر را به تحمل کنند و از حرف‌های تلخ هم بترجند.

ثانیاً، اینها بتوانند به بیرون خودشان اعتماد بدهند که اگر وارد این پروسه سیاسی بشوند، در درآمدت ضرر نخواهید کرد و در نهایت به نفع شما خواهد بود. یعنی نخبگان ابتدا باید درون این رودخانه بروند و بعد به دیگران بگویند که غرق نخواهند شد تا آنها نیز وارد شوند. یعنی باید پیروانشان نیز به آنها اعتماد داشته باشند. دوستان می‌دانند که به مهم‌ترین ذخیره امام این بود که هر چه می‌زد، می‌دانستند که حرف می‌زد، می‌دانستند که صادقانه سخن می‌گوید و لذا درک او برای بسیاری حجت می‌شد. بنابراین در این دموکراسی‌ها اولین کار نخبگان این است که خطر ذاتی سیستم را حسن کنند یعنی بدانند که اگر مذاهب با یکدیگر نباشند، سیستم با خطر مواجه می‌شود. لذا، تعهد به سیستم، به هر قیمتی که شده، بسیار مهم است؛ تا آن جا که فرد از باورهای خودش هم به‌صورت موقت دست‌نگه دارد. ثالثاً، داشتن توان تحمل شکاف‌های خرد فرهنگی است. می‌داند که در انسان این گونه نبود. آدم‌ها به یکدیگر فحش هم می‌دادند و حتی عده‌ای به امام موسی صدر حمله می‌کردند و امام مجبور بود جواب نرمی به آنها بدهد. در نهایت، بعد از آن نخبگان باید توان از راه‌حل هم داشته باشند.

همه اینها را ذکر کردم برای این که بگویم پیش شرط‌های گفت‌وگو در جامعه انجمنی اینها هستند: «آزادی احترام، اعتماد و تحمل.» همه اینها، پیش شرط‌های گفت‌وگو در جامعه هستند. اگر آزادی نباشد، گفت‌وگو و شنودنی نخواهد بود. صرفاً شنودن است، یعنی مونولوگ و یکطرفه است. اگر احترام نباشد که کسی حرف نمی‌زند. اگر اعتماد نباشد، آدمی زبان به سخن باز نمی‌کند و همین‌طور اگر تحمل نباشد، گفت‌وگو به مزاحه منجر خواهد شد.

خصوصیات دین‌شناسی

بنده از سخنان امام موسی صدر، مشخصه‌هایی را برای دین‌شناسی جمع‌آوری کرده‌ام که تعدادی از آنها را بیان می‌کنم:

۱- «گشودگی» یعنی این الهیات، الهیات باز است؛ ما بر این باوریم که وجود فرقه‌های سازمان یافته مختلف، نقطه آغاز همکاری و در پیچه‌های تمدن به روی دستاوردهای میلیاردی انسان در این عصر است. این سخن به این معناست که به جای آن که با سازمان رقیب مقابله کند، کمک می‌کند تا سازمان او هم درست باشد. در ادامه می‌گوید، «این فرقه‌ها، این تجارب را وارد لبنان کرده‌اند.» و امام به تکرار لبنان، افتخار می‌کند. این یکی از

گشودگی» یعنی این الهیات، الهیات باز است؛ ما بر این باوریم که وجود فرقه‌های سازمان یافته مختلف نقطه آغاز همکاری و در پیچه‌های تمدن به روی دستاوردهای میلیاردی انسان در این عصر است. این سخن به این معناست که به جای آن که با سازمان رقیب مقابله کند، کمک می‌کند تا سازمان او هم درست باشد. در ادامه می‌گوید، «این فرقه‌ها، این تجارب را وارد لبنان کرده‌اند.» و امام به تکرار لبنان، افتخار می‌کند. این یکی از

۵- «تشکل» یک وظیفه دینی است. امام می‌گوید: «حقیقت این است که وحدت مذاهب مختلف یک دین، مبتنی بر نزدیک شدن آنها به یکدیگر است.» نزدیک شدن، در گرو تفاهم است. تفاهم نیز با گفت‌وگو است و شرط اساسی گفت‌وگو این است که میان طرف‌های حقیقی انجام بگیرد.

امام نقش تشکل را در گفت‌وگو بسیار حیاتی می‌داند: «آیا وحدت و همدلی و تفاهم و گفت‌وگو، بدون سازمان و تشکیلات، امکان دارد؟» بیرون یک دین باید آموزش‌هایی ببینند تا بتوانند با دیگران، برخورد مثبتی داشته باشند که در قالب تشکل ممکن است.